

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِأَمْنٍ بِمَانٍ

اکرم باقرزاده زارعی

باقرزاده زارعی، اکرم، ۱۳۵۵	
با من بمان: شعر	
قم: مفاتیح قرآن ۱۳۸۴	
۶۴ ص. ۵۰۰ ریال شابک: ۹۶۴-۹۶۲۳۲-۵-۶	
فهرست نویسی بر اساس فیبا.	
۱- شعر آزاد - قرن ۱۴ ق. ۲- شعر فارسی - قرن ۱۴ ق	
الف: عنوان	
ب ۲ الف ۷۹۶۳/ PIR	۸۶۲/۱۶
۱۳۸۴	۱۳۸۴

نام کتاب: با من بمان

نویسنده: اکرم باقرزاده زارعی

چاپ: توحید

شمارگان: ۳۰۰۰

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

تعداد صفحه: ۶۴ رقیعی

ناشر: مفاتیح قرآن

قیمت: ۵۰۰ تومان

طراح جلد: الهام نیاوند

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است *

قم: بلوار بهار، پل حجتیه کتاب فروشی مجتمع آموزش عالی

۰۲۵۱-۷۷۴۹۱۱۹

مرکز پخش ۰۹۱۳۱۶۱۲۳۴۰

فهرست مطالب

۳	فهرست مطالب
۶	«به نام خداوند ناهید و هور»
۸	مقدمه
۹	«رنگ مهر»
۱۰	«حسرت»
۱۱	«عسلم»
۱۲	«صدای نور»
۱۳	«یک سبد حرف»
۱۴	«مادر، الهه مهر»
۱۵	«تندیس غرور»
۱۶	«آخرین نفس»
۱۷	«مرهم»
۱۸	«زمزمه»
۱۹	«حیران»
۲۰	«یک دله»
۲۱	«بوی تو»
۲۲	«غبار»
۲۳	«زن عاشق»
۲۴	«بلور نگاه»
۲۵	«عشق من»
۲۶	«عصر دل‌تنگی»
۲۷	«طیش»
۲۸	«بهانه»
۲۹	«مسافر»
۳۰	«روسیاه»
۳۱	«یا من یمان»
۳۲	«دل آشوب»
۳۳	«بازگشت»
۳۴	«دل تنگ»

۳۵	 «قلم»
۳۶	 «به یاد ماندنی»
۳۷	 «قاصد آوازه»
۳۸	 «شب گرد»
۳۹	 «دوراهه»
۴۰	 «ناب ترین عسل»
۴۱	 «چشم دریا»
۴۲	 «نگاه کن»
۴۳	 «روزی ، شاید»
۴۴	 «رسوب»
۴۵	 «دیدار»
۴۶	 «عاجزانه»
۴۷	 «سیب خاطره»
۴۸	 «از یاد رفته»
۴۹	 «غزل»
۵۰	 «ابی ترین روز»
۵۱	 «دیروز»
۵۲	 «ژن»
۵۳	 «امید»
۵۴	 «زن آریایی»
۵۵	 «آذر نگاه»
۵۶	 «با تو»
۵۷	 «آرزوی شیرین»
۵۸	 «کاش من»
۵۹	 «انتظار»
۶۰	 «آفتاب»
۶۱	 «مشق احساس»
۶۲	 «به عشق که»
۶۳	 «نسیم عاشق»
۶۴	 «جام خنده»

«به نام خداوند ناهید و هور»

مجموعه‌ای که فرا روی شماست، اثری احساس آفرین از بانو اکرم باقرزاده است.

این جانب در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ که کلاس‌های امور تربیتی را به عنوان کارشناس و مدرس ادبیات اداره می‌کردم، یکی از دانش‌آموزان متذوق آن دوره خانم باقرزاده بود که از همان زمان به ذوق والا و طبع شیوا و نازک اندیشه‌اش پی بردم. وی همانند بسیاری از دانش‌آموزان کلاس از حجب و حیایی جبلّی برخوردار و عفاف و نجابت از گفتار و رفتار شاعرانه‌اش مشهود بود. خاطراتی که از کلاس‌های امور تربیتی و تدریس در کلاس‌های فوق برنامه دانشکده‌ی علوم انسانی و دانشگاه علوم پزشکی کاشان دارم، هرگز به دست نسیان نخواهم سپرد و بهترین دوره‌ی زندگی ادبی ام همان دوران بود که اینک شرح آن خاطرات ماندنی و خواندنی در این مقال نمی‌گنجد و مستلزم فرصتی دیگر است و چنانچه اوقاتی مساعد پیش آید، تمام آن خاطرات را در کتابی جداگانه خواهم نگاشت. و اما اینک سخن از مجموعه‌ای است که باید آن را مورد بحث و تحلیل قرار دهم. تمام این مجموعه به ویژه قطعات: «از یاد رفته»، «غروب آرزو»، «دل آشوب»، «ابی‌ترین روز»، «به یاد ماندنی»، «غزل»، «بازگشت»، «غبار»، «بوی تو» و «ناب‌ترین عسل» قابل تأمل و از دیدگاه عاطفه قابل توصیفی سزاوار است.

مایه‌ی اصلی تراوشات ذهنی خانم باقرزاده احساس است و به نظر من نویسنده یا شاعر باید این مایه را داشته باشد. وی میان احساس و دل

خویش، پلی به وسعت اندیشه ساخته است و پیامی که در آثارش به چشم می‌خورد، همان احساس زلال است و چیزی به جز عشقی پاک که برآمده از درونی تابناک است، بر آن نیفزوده، زیرا مایل نبوده است پای از دنیای عواطف فراتر نهد تا نوشتارهایش دستخوش خدشه‌هایی همانند تصنع و تکلف گردد. او به راستی کوشیده است تا دست و پای احساس و اندیشه را از دام زنجیرهای فرسوده آسوده سازد.

باقر زاده زمزمه گر قلبی شیدایی و عاری از رنگ آمیزی‌های دروغین روزگار است. قلبی که چوبیار لحظه‌ها در آن جاری است و سکوت آباد فریاد و مانایی است.

قلبی که گاه چون برکه‌ای آرام و گاه دریایی طوفان زاست. پیام عاطفت را در لوح زرین نور نگاشته و به بال قاصدک‌هایی بسته است که بر قلعه ساران صلابت پروازی عاشقانه دارند. باقرزاده در نهانگاه بیشه‌ی افسون، افسانه پرداز رازهایی بی‌سرانجام است و در کنار برکه‌ی ذهن، پر در آتش افکننده و در کوچه باغ‌های حسرت و هیبت مضمون درد آفریده و با واژگانی تشنه و مجروح از کاروان روز و شب کوچیده است و گویی داغ‌دشت تخیل او در شبستان خورشید مأوایی به غربت آفتاب دارد. با آرزوی پویایی و پایایی ایشان در سیرگاه اندیشه.

پسین روز هفدهم اردیبهشت ۱۳۸۴

«صائم کاشانی»

مقدمه

به نام او که جسم و جانم از اوست!
دستم خالی است و توشه راهم پیوچ. دلی، آسمانی
می‌خواهم و تفکری پاک. دلم زخم خورده از ایام است.
چشمانم بی فروغ، و حرفهایم در گلو مانده، نغمه‌ای در
وجودم می‌خواند که، حرفهای نگفته خویش را بنویسم.
پس می‌نگارم از یک عالم عشق، از چشمان منتظر و
خاموشم، از اشکهای داغ حسرت که بر گونه هایم رسوب
کرده، از خاطرات تلخ و شیرینم، از می‌نویسم از تو، که
دلم تُحفهٔ ناقابل توست.

ضمناً از آقای حسین انتصاریان بیدگلی که در چاپ
و تنظیم کتاب فعالیت نموده‌اند تقدیر و تشکر می‌نمایم.